

ORIGINAL ARTICLE

Jurisprudence and Legal Review of the Adjustment of the Obligation Amount with the Inflation Rate, in Monetary Obligations with Emphasis on the Unanimous Decision No. 855 of the Supreme Court of Iran

Zahra Montazeri¹, Elham Farzad²

1. Assistant Professor of Jurisprudence and Islamic Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

2. Master of Private Law, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Correspondence:
Zahra Montazeri
Email: montazeri@pnu.ac.ir

How to cite

Mantazeri, Z.; Farzad, E. (2023). Jurisprudence and Legal Review of the Adjustment of the Obligation Amount with the Inflation Rate, in Monetary Obligations with Emphasis on the Unanimous Decision No. 805 of the Supreme Court of Iran, Civil Law Knowledge, 12 (2), 13-22.

ABSTRACT

Contractual agreements are one of the most important tools in regulating the legal relations of societies. Faithfulness to one's vow is considered a requirement of religion and the most basic pillar of Islamic theory, which is considered objectionable in legal systems. Therefore, the obligation determined as a result of non-fulfillment of the obligation in the contract is valid for compensation based on articles 230 of the Civil Code and 515 of the Civil Procedure Code. Due to the lack of transparency and also according to Article 522 of the Civil Procedure Law, which considers the damages for late payment exclusively in monetary obligations according to the index rate of the Central Bank, the issue of the obligation of nearly forty years has become one of the unsolvable dilemmas in jurisprudence and legal opinions to stay. The matter was complicated when the specified obligation was stipulated in the monetary debt with an exorbitant amount. There were many doubts about the usury of this issue and it became a concern of the legal community until the jurists, considering the principle of justice and fairness and protecting weak debtors against strong creditors, decided on it like the banks. The Supreme Court of Iran, dated 10/16/2019, should be approved as a turning point for all disputes and doubts in order to clarify the matter. The achievement of this research was to examine the high step taken by the Supreme Court in solving this challenge.

KEYWORDS

The Principle of Keeping the Promise, Monetary Obligations, The Supreme Court of the Country, Pledge.

نشریه علمی

دانش حقوق مدنی

«مقاله پژوهشی»

بررسی فقهی و حقوقی تعدیل وجه التزام با نرخ تورم، در تعهدات پولی با تأکید بر رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ دیوان عالی کشور

زهرا منتظری^۱، الهام فرزاد^۲

۱. استادیار رشته فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۲. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

یکی از مهم‌ترین ابزارهای که در تنظیم روابط حقوقی جوامع نقش اساسی دارد، توافقات قراردادی است. اهمیت اصل وفای به عهد، در آموزه‌های دینی ما تا حدی است که لازمه دینداری و از اساسی‌ترین رکن نظریه اسلام محسوب می‌شود و در نظام‌های مختلف حقوقی به این اصل تأکید و امتناع از ایفای تعهدات از سوی طرفین، امری مذموم انگاشته می‌شود. از این رو، اگر وجه التزام تعیین شده در قرارداد شیوه جبران خسارت مقطوع قراردادی قلمداد شود، وفق مواد ۲۳۰ قانون مدنی و ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی نافذ و لازم‌الوفا خواهد بود، اما عدم شفافیت در این مهم، همچنین وفق ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی که خسارت تأخیر تأدیه را منحصرأً در تعهدات پولی بر اساس نرخ شاخص بانک مرکزی می‌داند، سبب شده بود تا مسئله وجه التزام قریب به چهل سال، یکی از پیچیده‌ترین معضلات لاینحل نظریات حقوقی و اختلافات حقوقی و فقهی باقی بماند. موضوع زمانی پیچیده‌تر می‌شد که وجه التزام تعینی در دیون پولی با مبلغ گزافی شرط می‌شد. شائبه‌های فراوانی در ربوی بودن این امر وجود داشت و نگرش حقوقدانان به اصل عدالت، انصاف و پشتیبانی از بدهکاران ضعیف در مقابل بستانکاران توانمند از جمله بانک‌ها، یکی از دغدغه‌های جوامع حقوقی و اقتصادی کشور بود. تا اینکه رأی وحدت رویه ۸۰۵ دیوان عالی کشور مورخه ۱۳۹۹/۱۰/۱۶، با شفافیت در تبیین امر، نقطه عطف تمام اختلافات و شائبه‌ها شد. یافته این پژوهش، علاوه بر کنکاش در موضوع مهم فقهی، بررسی گام بلند دیوان عالی کشور در حل این چالش بود.

نویسنده مسئول:

زهرا منتظری

رایانامه: z.montazeri@pnu.ac.ir

واژه‌های کلیدی

اصل وفای به عهد، تعهدات پولی، دیوان عالی کشور، وجه التزام.

استناد به این مقاله:

منتظری، زهرا؛ فرزاد، الهام (۱۴۰۲). بررسی فقهی و حقوقی تعدیل وجه التزام با نرخ تورم، در تعهدات پولی با تأکید بر رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ دیوان عالی کشور، دوفصلنامه علمی دانش حقوق مدنی، ۱۲ (۲)، ۲۲-۱۳.

مقدمه

یکی از کارآمدترین روش‌های جبران خسارت در تعهدات، به ویژه تعهدات پولی، شرط وجه التزام بین طرفین قرارداد است که این شرط با اهدای چون جبران خسارت و نیز جریمه فرد متعهد در امتناع از ایفای تعهد همراه است. هدف اخیر حتی ممکن است بی‌ارتباط با معیار و نامتناسب با میزان خسارت واقعی در نظر گرفته شود که نوعی شرط کیفری محسوب می‌گردد. نکته حائز اهمیت اینکه اگرچه به استناد ماده ۲۳۰ قانون مدنی، اعتبار وجه التزام در قراردادها معتبر است، لیکن تا پیش از صدور رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ دیوان عالی کشور، کماکان مباحثی درباره کارآمدی شرط وجه التزام تعیینی برای نقض تعهد و نیز امکان تعدیل آن توسط محاکم، مخصوصاً شائبه در جواز شرعی تعیین وجه التزام برای دیون و ربوی بودن آن وجود داشت. این امر زمانی از منظر حقوقی، اجتماعی و اقتصادی حائز اهمیت می‌شود که وجه التزام تعیینی به صورت مبلغی گزاف شرط گردد و این مبلغ به شکل تصاعدی رو به افزایش باشد و در این میان بانک‌ها به عنوان متعهدلهم با سوء استفاده از قدرت اقتصادی خویش با امضای قراردادهای الحاقی با مشتریان، شروط کیفری سنگین را بر دوش مشتریان مضطر نهاده و موجبات ورشکستگی متعهد و نیز سبب بروز معضلات اقتصادی و تنش‌های اجتماعی گردند؛ به‌ویژه اینکه بانک‌ها ممکن است با انگیزه وصول وجه التزام‌های گزاف و تصاعدی و به‌رغم در اختیار داشتن وثایق مالی و امکان استیفای دین از محل آن، به حق عینی تبعی خود در این جهت استناد نکنند. بر اساس اصل حاکمیت اراده‌ها، قرارداد به مثابه قانون خصوصی بین طرفین، باید از هرگونه تعرضی در امان باشند، اما متأسفانه مطابق ماده ۲۳۰ قانون مدنی ایران که برگرفته از ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی فرانسه است، قاضی نمی‌تواند وجه التزام تعیینی در قرارداد را تعدیل نماید، در حالی است که وفق ماده ۱۱۵۲ قانون مدنی فرانسه، در صورتی که متعهد بخشی از تعهد اصلی را ایفا کند، قاضی اختیار تقلیل وجه التزام را خواهد داشت. از آنجا که ماده ۲۳۰ قانون مدنی نیازمند اصلاح و تصریح این نقیصه است، امید است گام دیوان عالی کشور با صدور رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵، دست محاکم را درباره تعدیل وجه التزام‌های غیرعادلانه که در این رأی تحت عنوان "مغایرت با قوانین و مقررات امری" آمده است، باز نماید. بدو در این نوشتار، متن این رأی عیناً قید می‌گردد تا در بخش‌های آتی به بررسی آن پرداخته شود.

رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ دیوان عالی کشور،

نقطه عطف تعدیل وجه التزام قراردادی

در تعهدات غیر پولی مبنای وجه التزام در بستر حقوقی ایران، حکومت ماده ۲۳۰ قانون مدنی است، اما در باب تعهدات پولی، که ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی بر این تعهدات پولی شمول دارد، وجه التزام تعیینی، صرفاً به میزان شاخص اعلام رسمی بانک مرکزی یعنی همان نرخ تورم است. تا پیش از صدور رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ دیوان عالی کشور، در دعای حقوقی، دادگاه ملزم به تفکیک بین تعهدات پولی و غیر پولی بود؛ یعنی چنانچه قرارداد منعقد از نوع تعهد پولی بود، برای تعیین وجه التزام آن، محاکم صرفاً تا سقف شاخص بانک مرکزی می‌توانستند حکم به صدور رأی دهند و در صورتی که وجه التزام تعیینی بیش از نرخ تورم بود، دادگاه حق صدور رأی به مبلغی مازاد این میزان را نداشت، اما در تعهدات غیر پولی با اطلاق ماده ۲۳۰ قانون مدنی، چنانچه رقم وجه التزام فاقد سقف و میزان بود، این مبلغ می‌توانست به هر میزانی تعیین شود.

وفق این رأی، «تعیین وجه التزام قراردادی به منظور جبران خسارت تأخیر در ایفای تعهدات پولی، مشمول اطلاق ماده ۲۳۰ قانون مدنی و عبارت قسمت اخیر ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ است و با عنایت به ماده ۶ قانون اخیرالذکر، مبلغ وجه التزام تعیین‌شده در قرارداد، حتی اگر بیش از شاخص قیمت‌های اعلامی رسمی (نرخ تورم) باشد، در صورتی که مغایرتی با قوانین و مقررات امری از جمله مقررات پولی نداشته باشد، معتبر و فاقد اشکال قانونی است. بنا به مراتب، رأی شعبه ۲۵ دادگاه تجدیدنظر استان مازندران تا حدی که با این نظر انطباق دارد، به اکثریت آرا، صحیح و قانونی تشخیص داده می‌شود. این رأی طبق ماده ۴۷۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور، دادگاه‌ها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم‌الاتباع است»^۱.

با صدور رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ توسط دیوان عالی کشور، بستر تعهدات پولی در نظام حقوقی ایران، بی‌شک دچار تحول عظیمی در حوزه خسارت خواهد شد. به عبارتی با حکومت این رأی، طرفین در قراردادهای پولی فی مابین خود،

التزام، امکان تعدیل وجه التزام وجود نخواهد داشت؛ چرا که مبلغ آن با خسارت ناشی از عدم انجام تعهد رابطه‌ای ندارد تا به تناسب آن تعدیل گردد. (پاسبان و دیگران، ۱۳۹۳)

ماهیت وجه التزام در ایران

در بررسی نوع ماهیت نهاد وجه التزام، بدو باید تأملی بر این داشت که آیا این نهاد جنبه کیفری دارد یا اینکه مبلغی تعینی برای جبران خسارتی است که از عدم ایفای تعهد به متعهدله وارد می‌شود. در نظام حقوقی ایران، می‌توان ماهیت وجه التزام را به عنوان نهادی برای جبران ضرر و زیان وارده بر متعهدله از عدم ایفای تعهدات متعهد دانست. شرط فعل وجه التزام به شکل شرط فعل مادی حادث می‌شود که اقدام یا عدم اقدام به فعل بر یکی از متعاملین یا بر شخص ثالث شرط می‌شود که از حیث ظرف تحقق مادی یا اعتباری باشد. (شهیدی، ۱۳۹۹: ۲۱۵) بنابراین وجه التزام، خسارتی است که طرفین از قبل آن را تخمین زده‌اند که این بعد از ماهیت وجه التزام، صراحتاً در شق اول ماده ۲۳۰ مدنی تأکید شده است. (شیری، ۱۳۹۷) در رویه قضایی ایران دو دیدگاه و رویکرد در مورد وجه التزام وجود دارد؛ دیدگاه اکثریت این است که این نهاد صرفاً ابزاری برای تحکیم تعهدات از حیث قابلیت اجرای اصل تعهد است. از این‌رو، چنانچه متعهد بتواند اصل تعهد را ایفا کند، مطالبه وجه التزام به عنوان نهاد تضمین ممکن نخواهد بود، اما اگر متعهد در اجرای تعهد متعذر باشد، مطالبه وجه التزام از سوی متعهدله منعی نخواهد داشت (حسین‌آبادی، ۱۳۸۱)، اما اقلیت معتقدند با عنایت به اصل حاکمیت اراده‌ها، در صورت تخلف متعهد، این حق برای متعهدله ثابت است که نسبت به مطالبه وجه التزام، علاوه بر تعهد اصلی اقدام نماید. (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۲۱۴) در حال حاضر با توجه به تبصره ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی، هم وجه التزام و هم اصل تعهد قابل اجرا است. شایان ذکر است که طبق رویه و نظر اکثریت قضات، خسارت تأخیر تأدیه با توجه به قانون فوق‌الذکر قابل مطالبه است.

مشروعیت مطالبه خسارت تأخیر تأدیه

«خسارت تأخیر تأدیه» و «خسارت ناشی از عدم انجام تعهد» دو اصطلاح رایج در حقوق است که گاه با هم می‌آمیزند و سبب ایجاد شبهاتی در ذهن می‌گردند. به اعتقاد برخی از حقوقدانان: «خسارت تأخیر تأدیه به دعای اختصاص دارد که موضوع آن دعای وجه نقد باشد، اما خسارت ناشی از عدم انجام تعهد در دعای است که موضوع آنها وجه نقد نباشد و به شکل مطالبه

مبلغ وجه التزام را همچون تعهدات غیر پولی مشمول ماده ۲۳۰ قانون مدنی، به رقمی کمتر یا حتی بیشتر از نرخ تورم جامعه تعیین خواهند کرد.

در این رأی، دیوان عالی کشور به صراحت نقطه پایان به تفکیک تعهدات اعم از پولی و غیر پولی نهاده و بیان می‌نماید که طرفین می‌توانند در پرداخت وجه التزام قرارداد خود بر مبنای وجه رایج، وجه التزام را به هر میزان تعیین کنند که ناظر بر پرداخت وجه رایج کشور باشد و تعهدات به دلار را شامل نمی‌شود. البته برای تعیین وجه التزام به بیش از نرخ تورم جامعه، شرطی برای طرفین مقرر شده که با فرض وجود این شرط، دست طرفین در رقم وجه التزام باز خواهد بود. از این‌رو، با عنایت به متن این رأی، درصد خواهیم بود تا با کنکاش در مفاهیم مرتبط این حوزه به بررسی ابعاد این رأی بپردازیم.

مفهوم وجه التزام و دیدگاه‌های ماهیتی آن

التزام که جمع آن التزامات است، در لغت به معنای همراه بودن، ملازمه شدن، به گردن گرفتن، ملزم شدن به امری آمده است. وجه التزام که به آن شرط کیفری نیز اطلاق می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۹۸: ۵۸۰) حال با این تعاریف، در تبیین ماهیت وجه التزام ضروری است که مذاق‌های در ماهیت خسارت بودن وجه التزام یا استواری آن بر اساس کیفر صورت گیرد. در این رابطه به بررسی دو ماهیت خسارت و جنبه کیفری وجه التزام پرداخته می‌شود:

در یک نگرش، وجه التزام نوعی خسارت از پیش تعیین شده در قرارداد طرفین است و ماهیتی جز خسارت ندارد. از این‌رو، هرگاه متعهد از ایفای تعهد خود امتناع کند، متعهدله می‌تواند مبلغ تعیین شده وجه التزام را در قرارداد از متعهد مطالبه کند و در این راستا، اصولاً از اثبات زیان وارده، همچنین محاسبه مقدار خسارت وارده از طریق مراجع قضایی بی‌نیاز است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۷: ۷۳۹)، اما در دیدگاهی دیگر، وجه التزام ماهیت کیفری دارد و پیش‌بینی شرط وجه التزام، برای متعهد اصولاً ایجاد کیفر و جریمه می‌کند تا از این راه، به ایفای تعهد خود پایبند و ملزم باشد و قدرت الزام‌آور عقد با پیش‌بینی وجه التزام فزونی یابد. در صورت پذیرش این نگرش، ارتباطی بین خسارت ناشی از عدم ایفای تعهد با تأخیر در انجام تعهد وجود نخواهد داشت و متعهدله با اثبات ورود خسارت، مطابق قواعد عمومی قراردادهای و اثبات میزان خسارت وارده از سوی متعهد، می‌تواند خسارت خویش را مطالبه کند. نکته حائز اهمیت این است که در صورت پذیرش چهره کیفری وجه

تصرف در مفاد تراضی و تغییر شروط قراردادی است که با هدف منطبق کردن قرارداد با درخواست جدید دو طرف یا ضرورت‌های اجتماعی و اقتصادی حاکم صورت می‌گیرد. (شفایی، ۱۳۷۶: ۱۴۹؛ بیگدلی، ۱۳۸۶: ۱۶) به عبارت دیگر، تعدیل قرارداد عبارت است از اینکه چنانچه بر اثر حوادث پیش‌بینی نشده، ایفای تعهد دشوار گردد، اما بتوان از طرق قانونی، قضایی و یا قراردادی، مفاد قرارداد را به نحوی متعادل کرد تا این دشواری رفع شود و مانع انحلال قرارداد شد. در تعدیل قراردادی، طرفین با توجه به پیش‌بینی و آینده‌نگری خود، همزمان با قرارداد اقدام به درج شرط تعدیل می‌نمایند که معیار لازم‌الاتباع بودن این شروط، پذیرش اصل حاکمیت اراده و نیز ماده ۱۰ قانون مدنی است. شروط مورد نظر تا زمانی که با قواعد آمره تعارض نداشته باشند، برای طرفین لازم‌الاجرا هستند. (صفایی، ۱۳۹۵: ۲۰۷)

اصول و قواعد فقهی، منشأ نهاد وجه التزام

اصطلاحات، موضوعات و مباحث حقوقی، اکثراً ملهم از منابع فقهی هستند؛ به ویژه در فقه امامیه که مرجع غنی این موارد است. در بحث مستندات فقهی وجه التزام و مبنای فقهی آن در بدو امر، چنین به نظر می‌رسد که در رابطه با این نهاد هیچ گونه سابقه فقهی وجود ندارد، اما مطرح نشدن این موضوع در فقه و نظرات فقها، دلیل بر نامشروعیت و حرمت این نهاد نیست؛ چرا که با کنکاش در برخی از موارد می‌توان سابقه فقهی معتبری برای آن یافت.

در این قسمت از نوشتار با تأمل در متون و کتب فقهی می‌توان مبنای فقهی زیر را برای وجه التزام در نظر گرفت:

قاعده لاضرر

قاعده لاضرر که از جمله «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» برگرفته شده است، یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی است. بخش عمده استناد فقها به این قاعده، در موضوعاتی با ابعاد غیر عبادی است. با توجه به اینکه اصل اساسی در این قاعده فقهی، اصل جبران ضرر است، پس می‌تواند در توجیه تعدیل قرارداد مستند آرای محاکم قرار گیرد. بر این اساس، می‌توان برای مقابله با ورود ضرر به متعهدله، قائل بر این امر بود که امکان بهره‌وری از این قاعده در دادگاه به درخواست متعهدله قابل پذیرش است. به عبارتی تعدیلی که از آن سخن به میان آمده، آمیزه‌ای از تعدیل قضایی و قراردادی است که از یک طرف

اجرت‌المثل و خسارت از جهت عدم تسلیم و یا تأخیر خواسته مطرح می‌شود». (متین‌دفتری، ۱۳۹۱: ۵۳) از دیدگاه حقوقی زمانی موضوع تعهد وجه نقد نباشد، اصطلاح خسارت تأخیر انجام تعهد و هنگامی که موضوع تعهد پرداخت وجه نقد باشد، خسارت تأخیر تأدیه را به کار می‌برند. (ایزدی‌فرد، ۱۳۹۱) با عنایت به این تعاریف، می‌توان چنین بیان کرد که موضوع خسارت تأخیر تأدیه، تعهد بر وجه نقد است و نیازی به اثبات زیان وارده ندارد، حال آنکه در خسارت عدم انجام تعهد، علاوه بر اثبات عدم انجام تعهد، لازم است که با ارائه ادله، خسارت وارده بر متعهدله نیز احراز شود. موضوع خسارت تأخیر تأدیه، در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، مجدداً اعاده شده و ماده ۵۲۲ آیین دادرسی مدنی به عنوان تنها ماده مربوط به آن، به این امر اختصاص داده شده است. وفق این ماده: «در دعاوی که موضوع آن دین و از نوع وجه رایج بوده و با مطالبه داین و تمکن مدیون، مدیون امتناع از پرداخت نموده، در صورت تغییر فاحش شاخص قیمت سالانه از زمان سررسید تا هنگام پرداخت و پس از مطالبه طلبکار، دادگاه با رعایت تناسب تغییر شاخص سالانه که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌گردد، محاسبه و مورد حکم قرار خواهد داد، مگر این که طرفین به نحو دیگری مصالحه نمایند».

بنابراین برای تحقق مطالبه خسارت تأخیر تأدیه شرایط زیر ضروری است:

نخست اینکه موضوع اختلاف و دعوا، باید دین از نوع وجه رایج باشد که متعهد باید در موعد مقرر ایفا می‌کرده و شاخص قیمت‌ها از موعد سررسید تا زمان پرداخت تغییر فاحش کرده باشد و نرخ تورم از موعد سررسید تا هنگام پرداخت در دید عرف قابل مسامحه نباشد. بنابراین، اگر نرخ تورم تغییر نیافته و یا تغییر منفی باشد و یا عرفاً قابل مسامحه باشد، متعهد محکوم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه نخواهد بود و در نهایت، متعهد متمکن از ایفای تعهد امتناع کرده باشد. پس اگر متعهد معسر و در ایفای دین ناتوان باشد، محکوم به پرداخت خسارت تأخیر تأدیه نخواهد شد.

تعدیل وجه التزام قراردادی

تعدیل در لغت به معنای کاستن از شدت و حدت چیزی یا عملی به کار می‌رود. (دهخدا، بی‌تا: ۵۷) همچنین تعدیل کردن به معنی برابر کردن و از روی عدالت چیزی را تقسیم کردن (همان: ۵۹۵۷)، ولی تعدیل قرارداد در علم حقوق، به معنی

اصاله الصحه

یکی دیگر از اصول مهم فقهی، اصل صحت یا اصاله الصحه است. مراد از صحت، درستی و روایی و حیلست عمل در برابر نادرستی و ناروایی و حرمت است و بدین ترتیب معنی اصل صحت آن است که باید رفتار فرد مسلمانان را عملی حلال و مشروع دانست نه حرام و نامشروع. (گرچی، ۱۳۸۴: ۶۵)

اصل صحت در قوانین کیفری کشورهای جهان نمود دارد؛ چرا که تا مادامی که تقصیر و خطای کسی اثبات نگردد، کیفر بر او ثابت نخواهد بود. در مورد اصل صحت در معنی مذکور یعنی حمل اعمال مسلمانان بر مشروعیت که حکمی تکلیفی است دلایل بسیار گفته‌اند که از جمله آنهاست آیاتی چون «و قولو للناس حسنا». (شیخ انصاری، ۱۳۹۰)

قاعده تسلیط

قاعده تسلیط در اصطلاح فقهی عبارت است از تسلط و اختیار مالک برای هر گونه تصرف در اموال خویش. (مصطفوی، ۱۳۹۷: ۱۳۶) بر اساس قاعده فقهی "الناس مسلطون علی اموالهم" که بیان می‌دارد «هر کس می‌تواند هر گونه دخل و تصرفی در مال خویش انجام دهد و آن را صرف کار و مسیری که می‌خواهد نماید، مشروط بر آنکه این تصرف و مصرف مال، خلاف قوانین و شرع نباشد. با این رویکرد می‌توان گفت طرفین می‌توانند شرط وجه التزام را در قرارداد خویش درج نمایند، به شرط آنکه شرط خلاف قوانین و مقررات شرعی نباشد و وابسته به اموال و دارایی شخصی‌شان باشد.

شرط دیوان عالی کشور در رأی وحدت رویه شماره

۸۰۵ در تعیین مبلغ وجه التزام با حکومت مواد ۲۳۰

قانون مدنی و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی

عدم مغایرت با قوانین و مقررات امری از جمله

مقررات پولی

با مذاقه در رأی وحدت رویه اخیر، پیش شرط دیوان برای تعیین مبلغ وجه التزام در قرارداد (بیش از شاخص بانک مرکزی)، چنین آمده است:

«... در صورتی که مغایرتی با قوانین و مقررات امری از جمله مقررات پولی نداشته باشد، معتبر و فاقد اشکال قانونی است...» به عبارتی چنانچه تعیین وجه التزام به غیر شاخص بانک مرکزی، مغایرتی با قوانین و مقررات امری از جمله مقررات پولی نداشته باشد، با اطلاق ماده ۲۳۰ قانون مدنی،

متکی به درخواست متعهدله و از طرفی دیگر، در اختیار قاضی است که میزان آن را با مذاقه به عرف و قراردادهای مشابه به آن اعلام نماید.

قاعده لاجرح

قاعده لاجرح یکی دیگر از قواعد مهم فقهی است که در موضوع امکان تعدیل قرارداد می‌توان به آن استناد کرد. مطابق این قاعده، هر امری که سبب مشقت گردد، عقلاً محال است؛ زیرا هدف از اجرای تکالیف، اطاعت است و چنانچه این هدف با «امر غیر قابل تحمل» همراه گردد، نقض می‌گردد، البته برخی از تکالیف همچون جهاد یا قصاص همراه با حرج و سختی است که پاسخ فقها در این باره این است که ما با دو نوع احکام حرجی روبه‌رو هستیم: بعضی از احکام از ابتدا و اصل با وجود حکم حرجی تشریح شده‌اند و بعضی دیگر در اوضاع و احوال خاص، حرج بر آنان عارض می‌شود. در واقع نظر شارع بر نوع دوم بوده، نه بر نوع اول که به طور خاص از این قاعده خارج است (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۷۱)

قاعده شروط (المؤمنون عند الشروطهم) یا اصل لزوم (اوفوا بالعقود)

این قاعده یکی از معتبرترین قواعد فقهی است که به هنگام شبهه و شک در لزوم قراردادهای به آن رجوع می‌شود. این شک می‌تواند شک در لزوم همچون شبهه حکمی باشد و یا شک باشد که موجبات شبهه موضوعیه را فراهم نماید. اساس شرعی این اصل مهم، آیه ۱ سوره مبارکه مائده است که مطابق این آیه... اوفوا بالعقود، خداوند مومنین را به وفا و پایبندی به پیمان‌ها و قراردادهای خود سفارش کرده است و حکم شرعی این اصل، (المؤمنون عند الشروطهم) است.

در قانون مدنی منظور از اصل لزوم قراردادهای این است که طرفین الزاماً باید بر تعهدات خود پایبند باشند و اصل بر لزوم تعهدات است؛ مگر در مواردی که قانون به طرفین اجازه فسخ یا اقاله عقود را داده است. مقابل این اصل، اصل جواز است که امکان انحلال تعهدات را در صورت فوت یا حجر طرفین تبیین می‌کند (شهیدی، ۱۳۹۵: ۲۴۵) که این امر در ماده ۲۱۹ قانون مدنی به صراحت بیان شده است. بنابراین، با مذاقه در این مطلب، می‌توان چنین دریافت که فقه اسلامی گامی بسیار جلوتر از قانون مدنی برداشته و قرآن کریم، سال‌ها پیش از همه قوانین به لزوم پایبندی به تعهدات اشاره و تأکید فرموده است.

مشمول ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی است، مگر اینکه طرفین توافق دیگری داشته باشند. بنابراین، با صدور این رأی، کلیه توافقات طرفین در تعهدات پولی را به رسمیت شناخته می‌شود و مبلغ وجه التزام تعیینی در قراردادها چنانچه حتی بیش از نرخ تورم جامعه باشد، معتبر و فاقد اشکال خواهد بود. این در حالی است که ماده ۶ قانون آیین دادرسی مدنی به قوت خود باقی است و اعلام می‌دارد: «عقود و قراردادهایی که محل نظم عمومی یا بر خلاف اخلاق حسنه که مغایر با موازین شرع باشد، در دادگاه قابل ترتیب اثر نیست».

با توجه به اطلاق عبارت «... وجه التزام مغایرتی با قوانین امری نداشته باشد ...»، تردیدی نیست که در آینده شاهد تفسیرهای متعدد از این رأی توسط قضات باشیم و وجه التزامهای خارج از عرف، عدل و انصاف محدود و تعدیل گردند.

فقدان شرط خلاف در تجزیه تعهد در رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ دیوان عالی کشور

در تعدیل وجه التزام بر مبنای اجرای بخشی از تعهد، طرفین می‌توانند با توافق، تعدیل وجه التزام را در فرض اجرای بخشی از تعهد ساقط نمایند و یا اینکه بر تجزیه‌ناپذیری موضوع قرارداد تراضی کنند. چنین قراردادی با نظم عمومی یا اخلاق حسنه مغایرت ندارد، حتی اگر قاضی چنین توافقی را بر مبنای نتایج غیر عادلانه تشخیص دهد. البته برخی از حقوقدانان با تأکید بر نص ماده ۲۳۰ قانون مدنی، تعدیل وجه التزام را در برابر اجرای بخشی از تعهد نفی نموده‌اند، مگر اینکه طرفین شرط موافق با تعدیل کرده باشند (متین دفتری، ۱۳۹۱: ۲۴۶)، اما اصل بر تجزیه‌پذیری وجه التزام در فرض اجرای قسمتی از تعهد است، مگر آنکه خلاف آن شرط شده باشد. بنابراین، با عنایت به فقدان شرط خلاف در تعدیل بخشی از تعهد در رأی شماره ۸۰۵ وحدت رویه دیوان عالی کشور، در فرض تجزیه‌پذیری اصل تعهد و انتفاع متعهد از اجرای بخشی از تعهد، اگر شرط مغایر با قواعد و قوانین امری نباشد، قاضی می‌تواند به حق تعدیل وجه التزام استناد کند.

احتمال صدق ربا

رکن اساسی در ربا، توافق و تراضی طرفین بر پرداخت پول اضافی به بیش از میزان اصل تعهد است. مخالفت‌های حقوقی در مورد شمول ماده ۲۳۰ قانون مدنی به تعهدات پولی نیز از این منظر قابل دفاع بود. به عبارتی آیین دادرسی مدنی تعهدات

پولی را محدود به شاخص بانک مرکزی می‌نمود، اما اکنون صدور رأی دیوان عالی کشور ممکن است منجر به برخی سوء استفاده‌های صاحبان قدرت مالی در برابر بدهکاران ضعیف شود. درباره تفاوت بین خسارت تأخیر تعهد با معاملات ربوی ذکر این مطلب ضروری است که مبلغ خسارت تأخیر تعهد، معادل قیمتی است که از ارزش پول کاسته شده است و مبلغی اضافی نیست، در حالی که در معاملات ربوی اخذ مبلغ مازاد بر قیمت کاهش یافته است. در این باره شورای محترم نگهبان در سال ۱۳۶۱ در جواب بانک مرکزی مبنی بر حلیت جریمه دیرکرد بانک‌ها، این مبلغ را مغایر شرع ندانسته است، البته مطالبه مازاد بر پانزده درصد، زیادی و ربا محسوب می‌گردد، بنابراین معامله در صورتی ربوی محسوب می‌شود مقرض با شرط مزبور، مقتضی را مجاز به تأخیر، در فرض پرداخت مبلغی پول سازد، اما چنانچه قصد وی، الزام مقتضی به ایفای تعهد در موعد مقرر یا همان «وجه التزام» باشد، بدون اشکال خواهد بود.

در حالی که حذف زیان‌بار خسارت قانونی تأخیر تأدیه صدی دوازده در سال (به مفهوم واقعی و نه آنچه در ماده ۵۲۲ فعلی آمده)، به تصور ماهیت ربوی خسارت تأخیر و برای حذف ربا از نظام مالی کشور صورت گرفت، این رأی عملاً و رسماً گرفتن خسارت قراردادی تأخیر تأدیه بدون سقف و حتی ربا را به هر مبلغ و درصد در پوشش وجه التزام تجویز می‌کند. در حالی که طی سنوات اخیر، تعدادی از قضات به سمت جلوگیری از سوء استفاده از وجه التزام در تعهدات پولی رفته بودند، این رأی راه مقابله این دسته از قضات با رباخواری را تا حد زیادی بست. (شهبازی‌نیا، ۱۳۹۹)

تا پیش از صدور این رأی وحدت رویه، به‌رغم مواد ۲۳۰ قانون مدنی و ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی در تعیین وجه التزام، خسارت تأخیر تأدیه و وجه التزام در تعهدات پولی و غیر پولی تفکیک شده بود. البته جای بسی شفق است که امتیازات این رأی به قراردادهای بانکی تسری پیدا نکرده و بانک‌ها حق تعیین وجه التزام خارج از مقرره بانک مرکزی و شورای پول و اعتبار را ندارند؛ چرا که مقررات آمره پولی از جمله آیین‌نامه «وصول مطالبات مؤسسات اعتباری» وجه التزام قراردادهای بانکی را مشخصاً تعیین کرده است و توافق خلاف قواعد آمره، باطل و بلااثر است. به عبارتی آیین‌نامه وصول مطالبات مؤسسات اعتباری مصوب ۱۳۹۴/۷/۷ وجه التزام بانکی را محدود به نرخ سود قراردادی به علاوه ۶ درصد جریمه کرده

که در صورت تخلف از پرداخت در موعد مقرر یا عدم انجام اصل تعهد، وجهی را به عنوان جریمه پرداخت کند و این شرط، صرفاً روشی برای اجبار مقتضی به پرداخت به موقع بدهی است. بنابراین شرط جریمه تأخیر تأدیه به عنوان وجه التزام از سوی بانکها، مخالف قرآن و سنت نیست و ربا محسوب نمی‌شود و حيله‌ای برای گرفتن ربا هم نیست و قید آن به عنوان شرط ضمن عقد، وفق قاعده «المؤمنون عند شروطهم» لازم‌الرعایه خواهد بود.

بحث و نتیجه‌گیری

ضرورت تعدیل وجه التزام در نتیجه تغییر اساسی اوضاع و احوال حاکم به هنگام انعقاد قرارداد از الزامات نظام حقوقی و اقتصادی محسوب می‌شود و نظام حقوقی کشور سال‌ها در تلاش تدوین مواد قانونی بود تا چارچوب‌های قانونی تعدیل را مشخص نماید، به نحوی که اصل حاکمیت اراده‌ها زیر سوال نرود. در این راستا، نهایتاً در سال ۱۳۹۹، صدور رأی شماره ۸۰۵ دیوان عالی کشور، با تمام اجملات آن به ویژه در بحث عدم شفافیت در تبیین مغایرت وجه التزام با قواعد و قوانین آمره، گامی در چرایی‌های تعهدات پولی است. هنگامی که شخص، متعهد به اجرای تعهد می‌شود، اجرای تعهد، وظیفه قانونی، اجتماعی، شرعی و اخلاقی او خواهد بود. در این میان، وجه التزام مبلغی معین در قرارداد است در بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان، مفهوم ثابتی دارد و توافقی است که می‌تواند ناشی از عدم انجام تعهد یا تأخیر در اجرای آن باشد، این نهاد جریمه مالی است که بر اساس اصل آزادی اراده‌ها، میزان آن توسط طرفین تعیین می‌گردد. وجه التزام علاوه بر ماهیت ترمیمی و تنبیهی، می‌تواند ماهیت غیرترمیمی داشته باشد. توافق طرفین بر پرداخت خسارت ناشی از نقض قرارداد، با اصل حاکمیت اراده توجیه‌پذیر است و ضرورت پیش‌بینی نتیجه عقد و احترام به تعهدات متقابل، مانعی برای تعرض دولت‌ها به توافقات طرفین است.

تجویز رأی وحدت رویه ۸۰۵ دیوان عالی کشور می‌تواند تبدیل به منشا تشتت رویه گسترده‌تری در مورد وجه التزام گردد. به عبارتی، با وجود تجویز این رأی، حداقل در مورد تعهدات پولی، وجدان قضات مانع از اصدار حکم به وجه التزام گزاف خواهد شد و در نتیجه تلاش خواهند کرد راه‌های جدیدی برای برون‌رفت از این چالش اخلاقی بیابند. اصرار دیوان عالی کشور به بررسی عدم مغایرت نهاد وجه التزام با قوانین امری، اگرچه به ظاهر امری بدیهی است، اما حقیقت امر

است، لذا این باز بودن دست افراد برای تعیین وجه التزام بالاتر از شاخص بانک مرکزی، شامل بانکها نخواهد بود و بانکها مکلفند طبق مصوبه بانک مرکزی، فقط به میزان نرخ سود قرارداد به علاوه ۶ درصد جریمه تأخیر تأدیه از مشتریان خود دریافت نمایند و امکان تعیین وجه التزام بالاتر از این رقم را نخواهند داشت و از مزایای این رأی وحدت رویه بی‌بهره خواهند بود.

نظریه صریح بانک مرکزی درباره رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ هیات عمومی دیوان عالی کشور

اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در رابطه با رأی وحدت رویه شماره ۸۰۵ دیوان، اقدام به انتشار نظریه صریح خود پیرامون نرخ وجه التزام تأخیر تأدیه دین نموده و اعلام می‌دارد: «... مبلغ وجه التزام تعیین شده در قرارداد را حتی اگر بیش از شاخص قیمت‌های اعلامی رسمی (نرخ تورم) باشد، در صورتی که مغایرتی با قوانین و مقررات امری؛ از جمله مقررات پولی نداشته باشد، معتبر و فاقد اشکال قانونی دانسته است. بنابراین، در حال حاضر نرخ وجه التزام تأخیر تأدیه دین باید مطابق با ماده ۱۷ آیین‌نامه وصول مطالبات غیر جاری مؤسسات اعتباری (ارزی و ریالی) موضوع بخش‌نامه شماره ۱۸۴۸۴۷ / ۹۴ مورخه ۰۷/۰۷/۱۳۹۴ مصوب شورای محترم پول و اعتبار که اشعار می‌دارد: مؤسسه اعتباری موظف است در قراردادهای اعطای تسهیلات بانکی، دریافت وجه التزام تأخیر تأدیه دین را به صورت شرط ضمن عقد برای تمامی تسهیلات ریالی و ارزی از تاریخ سررسید و نسبت به مانده بدهی، علاوه بر نرخ سود مندرج در قرارداد تسهیلات اعطایی در قالب عقود غیر مشارکتی با نرخ بازده مورد انتظار تسهیلات اعطایی در قالب عقود مشارکتی معادل شش درصد (۶٪) درج نماید، تعیین گردد».

شرط «جریمه تأخیر در پرداخت» بانکها، ویژه عقد قرض نیست، بلکه بیشتر تسهیلات بانکها بر پایه قراردادهای فروش اقساطی، مشارکت مدنی، مزارعه، اجاره به شرط تملیک، مسابقات، مضاربه، سلف، جعاله خرید دین و ... استوار است و عقد قرض فقط پنج تا دوازده درصد تسهیلات بانکی را شامل می‌شود. از سوی دیگر، در شرط جریمه تأخیر تأدیه، بین مقرض و مقتضی، توافقی بر پرداخت مبلغی بیش از آنچه قرض شده باشد، حاصل نمی‌شود، بلکه وام دهنده برای حصول اطمینان از ایفای تعهد، به ضامن، وثیقه یا کفیل متوسل می‌شود و برای الزام مقتضی به ایفای دین در موعد مقرر، وی را متعهد می‌کند

سادات حسینی، سیدحسین. (۱۳۹۶). *حدود اعتبار شرط وجه التزام از حیث میزان در تعهدات پولی*. شفاغی، محمدرضا. (۱۳۷۶). *بررسی تطبیقی نظریه تغییر اوضاع و احوال در قراردادهای*. تهران: ققنوس.

شهبازی‌نیا، مرتضی. (۱۳۹۹). *نقدی بر رای وحدت رویه ۱۰۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور*، سایت اختیاب.

شهیدی، مهدی. (۱۳۹۹). *سقوط تعهدات*. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد. چاپ هشتم.

شیری، علی. (۱۳۹۷). *بررسی تعدیل قضایی وجه التزام در فقه و حقوق ایران*. مازندران: مؤسسه آموزش عالی ادیب مازندران.

صفاغی، سیدحسین. (۱۳۹۹). *قواعد عمومی قراردادهای*. جلد ۲. تهران: نشر میزان.

عمید، حسن. (۱۳۹۳). *فرهنگ فارسی عمید*. تهران: نشر جاویدان. چاپ ۴۴.

عیسیایی تفرشی، محمد؛ شهبازی‌نیا، مرتضی. (۱۳۹۴). *تعدیل وجه التزام در قراردادهای بین‌المللی*.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۸). *قواعد عمومی قراردادهای*. جلد ۱. تهران: شرکت سهامی انتشار.

کاتوزیان، ناصر. (۱۴۰۰). *حقوق مدنی، وقایع حقوقی*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

متین دفتری، احمد. (۱۳۹۱). *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*. تهران: انتشارات مجد. چاپ چهارم.

محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۸۸). *قواعد فقه بخش مدنی*. جلد ۲. تهران: انتشارات سمت.

مصطفوی، محمدکاظم. (۱۳۹۷). *القواعد مائه قاعده فقهیه معنی و مدرک و مورد*. چاپ دوازدهم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

نامور، سوده؛ حسینی، علیرضا. (۱۳۹۷). «مقایسه تطبیقی تعدیل وجه التزام در حقوق فرانسه و ایران». *نشریه علمی تخصصی شبک*.

Al-Ansari, Morteza. (2016). *Al-Makaseb*. Tehran: Khorsandi Publications (in Persian).

Ansari, Mehdi. (2019). "Efficient theory from the point of view of the school of economic analysis". *Law Quarterly Journal of Faculty of Law and Political Science*, Vol. 41, No. 1 (in Persian).

این است که دیوان می‌کوشد با تمسک به مفاهیمی همچون لزوم حفظ نظم عمومی، اخلاق حسنه و لزوم رعایت انصاف در شروط تعهدات و نظایر آنها، تبعات این رأی را کاهش دهد و قضات دادگاه‌ها را به تعدیل یا ابطال وجه التزامهای سنگین سوق دهد. چنانچه با غور بیشتر در روند صدور این رأی، چنین برمی‌آید که در اطلاع‌رسانی نخست از این رأی وحدت رویه، قید عدم مغایرت با مقررات و به ویژه تأکید صریح بر مقررات پولی، وجود نداشت و ممکن است که این قیود در نتیجه چالش اخلاقی با هدف محدودسازی وجه التزام مندرج در قراردادهای بانکی به سقف مقرر، ملهم از رأی وحدت رویه شماره ۷۹۴ دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۹۹/۵/۲۱ باشد.

منابع

الانصاری، مرتضی. (۱۳۹۰). *المکاسب*. تهران: انتشارات خرسندی.

انصاری، مهدی. (۱۳۹۰). «نظریه کارآمد از دیدگاه مکتب تحلیل اقتصادی». *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۱، شماره ۱.

ایزدی‌فرد، علی‌اکبر؛ ابهری، حمید و بهرامی، حسین. (بهار ۱۳۹۱). «مفهوم و ماهیت پول و ضمان مربوط به کاهش ارزش و خسارت تأخیر تأدیه در بازپرداخت قرض اسکناس». *فصلنامه مطالعات فقه و حقوق اسلامی*، شماره ۲۷.

بیگدلی، سعید. (۱۳۸۶). *تعدیل قرارداد*. تهران: بنیاد حقوقی میزان. چاپ اول.

پاسبان، محمدرضا؛ رحمتی، پرویز. (۱۳۹۳). «تحلیل اقتصادی نهاد وجه التزام، با تأکید بر نظام حقوقی کامن‌لا و رومنی ژرمنی». *دو فصلنامه علمی-پژوهشی دانش حقوق مدنی*.

تسخیری، محمدعلی. (۱۳۸۲). «شرط کیفری مالی در بانکداری بدون ربا». *فقه اهل بیت*، شماره ۳۵.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۷). *حقوق تعهدات*. جلد ۳. تهران: گنج دانش.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۹۸). *ترمیم‌ولوژی حقوق*. تهران: انتشارات گنج دانش.

حسین‌آبادی، امیر (۱۳۸۱). «بررسی وجه التزام مندرج در قرارداد». *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، سال ۲، شماره ۴.

دهخدا، علی‌اکبر. (بی‌تا). *لغت‌نامه*. تهران: انتشارات دهخدا.

- Aamid, Hassan. (2013). *Persian culture of amid*. Tehran: Javidan Publishing House (in Persian).
- Bigdeli, Saeed. (2016). *Modification of the contract*. Chapter 1. Tehran: Mizan Legal Foundation (in Persian).
- Dehkhoda, Ali Akbar. (no date). *Dictionary*. Tehran: Dehkhoda Publications (in Persian).
- Hossein Abadi, Amir. (2018). "Examination of the amount of obligation included in the contract". *specialized journal of Razavi University of Islamic Sciences*, year 2, Number 4 (in Persian).
- Isaiaf Tafarshi, Mohammad; Shahbazinia, Morteza. (2014). *Adjustment of obligation in international contracts* (in Persian).
- Izidifard, Ali Akbar; Abhari, Hamid and Bahrami, Hossein. (Spring 2019). "The concept and nature of money and guarantee related to the devaluation and damage of late payment in the repayment of banknote loan". *Islamic Jurisprudence and Law Studies Quarterly*, Number 27 (in Persian).
- Jafari Langroudi, Mohammad Jaafar. (2018). *Legal Terminology*. Tehran: Ganje Danesh Publications (in Persian).
- Jafari Langroudi, Mohammad Jaafar. (2017). *Rights of Obligations*. Vol. 3. Tehran: Ganje Danash (in Persian).
- Katouzian, Nasser. (2021). *Civil Rights, Legal Events*. Tehran: Publishing Company (in Persian).
- Katouzian, Nasser. (2018). *General Rules of Contracts*. Vol. 1. Tehran: Publishing Company (in Persian).
- Matin Daftari, Ahmad. (2011). *Civil and Commercial Procedures*. Vol. 2. Tehran: Majd Publications (in Persian).
- Mohaghegh Damad, Sayyed Mostafa. (2018). *Rules of Jurisprudence of the Madani Section 2*. Tehran: Samt Publications (in Persian).
- Mostafawi, Muhammad Kazim. (2017). *The rules are one hundred, a jurisprudential rule, meaning, comprehended, and resource*. Qom: An Islamic publication book, compiled by the University of Teachers Seminary, Qom (in Persian).
- Namvar, Soode; Hassani, Alireza. (2017). "Comparative comparison of liability adjustment in French and Iranian law". *Shabak specialized scientific journal* (in Persian).
- Paseban, Mohammad Reza; Rahmati, Parviz. (2013). "Economic analysis of the institution of obligation, with an emphasis on the legal system of Common Law and Romney Germany". *two scientific-research quarterly journals of Civil Law* (in Persian).
- Sadat Hosseini, Seyed Hossein. (2016). *Limits of the validity of the pledge condition in terms of amount in monetary obligations*. (in Persian).
- Safai, Seyed Hossein. (2019). *General Rules of Contracts*. Vol. 2. Tehran: Mizan Publishing House (in Persian).
- Shafaei, Mohammadreza. (2016). *Comparative study of the theory of change of circumstances in contracts*. Ch. 1. Tehran: Qoqnos (in Persian).
- Shahbazinia, Morteza. (2019). *Criticism of the 805 unanimous decision of the Supreme Court of the country*. Test website (in Persian).
- Shahidi, Mehdi. (2019). "The Fall of Obligations". Chapter 8. Tehran: Majd Scientific and Cultural Forum (in Persian).
- Shiri, Ali. (2012). *Study of judicial modification of obligation in Iranian jurisprudence and law*. Mazandaran: Adib Mazandaran Institute of Higher Education (in Persian).
- Taskhiri, MohammadAli. (2012). "Financial penal condition in banking without interest". *Fiqh Ahl al-Bayt*, No. 35 (in Persian).